

تشیع، مذهب و مسلک ابن‌یمین فریومدی

معصومه محمدنژاد^۱

یدالله طالشی^۲

چکیده

ابن‌یمین فریومدی مذهب شیعه داشته و از اشعار آیینی او می‌توان به ارادت قلبی‌اش به خاندان نبوت پی برد. به دلیل شیعی بودنش، در اشعار وی چهره امیرالمومنین، علی ابن ابی‌طالب (ع) بسیار پرفروغ و نمایان است، به طوری که در قصاید مدحیه خود زمانی که از فضایل ممدوح خویش سخن به میان می‌آورد، بی‌درنگ گریزی به ذکر فضایل حضرت علی (ع) می‌زند و به مدح آن امام همام می‌پردازد. در اشعارش، امام علی (ع) را بدین صفت‌ها مدح کرده است: خلوت‌نشین صومعه اصطفا، مهر سپهر حکمت، جان و جهان فضل، سر حلقه عارفان، سلطان اولیا، شه اصفیا، مرد یقین، خلوت‌نشین سرادقات جلال، صاعقه خرمن عمر کافران، فاتح خیبر، وصی مصطفی، در شهر علم، نور ساطع ذات خدا، فوق السماء، ساقی حوض کوثر و در دیوان وی قصاید علوی و رضوی دیده می‌شود که به منقبت امام علی (ع) و عترت مطهر و اولاد معصومش می‌پردازد و اعتقاد به مکتب تشیع از سر و روی شعر او می‌بارد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، تشیع، دیوان ابن‌یمین، ولایت، حدیث.

^۱. دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران
masomemohamadnejad@yahoo.com

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران.
taleshi28@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

مقدمه

ابن‌یمین فریومدی (۶۸۵-۷۶۹ ه.ق) در قریه فریومد در ناحیه بیهق قدیم و سبزوار کنونی که در آن روزگار مرکز حاکم نشین ناحیه جوین بود، می‌زیست. مذهب او چون بسیاری از مردم سبزوار در آن روزگار، تشیع و دوستی خاندان رسالت بود و شاید به همین دلیل بود که مردم آن سامان از جنبش سربداران در خراسان استقبال نمودند و در سلک پیروان این نهضت برآمدند.

نام ابن‌یمین از دیرباز با مکتب تشیع و نهضت سربداران گره خورده است. در اشعار او نظر به تشیع وی، چهره مولا علی(ع) بسیار پرفروغ و نمایان است:

از هر عطیه کابن‌یمین را خدای داد فاضل‌ترینش دوستی مرتضی‌علی است
(قصیده ۳۲)

به طوری که در قصاید مدحیه خود، زمانی که از شجاعت و سایر فضایل ممدوح خویش سخن به میان می‌آورد، بی‌درنگ شجاعت علی(ع) را ذکر می‌نماید. در اشعار او بیشترین بسامد آیات و احادیث پس از توحید باری تعالی در نعت رسول(ص) و مدح و منقبت ائمه اطهار(ع) به‌ویژه حضرت علی(ع) است. در این میان لحن کلام شاعر در تصریح به تشیع خود که تشویق آمیز و گاه مستدلّ ارائه می‌گردد، شایان توجه است:

مرا مذهب این است گیری تو نیز همین ره گرت مردی و مردمی است
که بعد از نبی مقتدای بحق علی ابن بو طالب هاشمی است
(قطعه ۱۷۳)

روش پژوهش

روش اجرای پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای به‌صورت تحلیل محتوایی خواهد بود. بدین صورت که در آغاز با مطالعه دیوان ابن‌یمین فریومدی و دیگر منابع مرتبط که در ارتباط با موضوع مورد پژوهش هستند، مطالب مورد نظر فیش‌برداری شده و سپس با توجه به محتوای مطالب، طبقه‌بندی شده‌اند.

پیشینه پژوهش

در این زمینه مطالبی نگاشته شده است. «ابن‌یمین فریومدی و تأثیر قرآن و حدیث در دیوان او» مقاله‌ای از علی محمد مؤذنی است. «جلوه‌های شیعی در شهر ابن‌یمین فریومدی» نیز مقاله‌ای است اثر عبدالله نصرتی.

قصایدی در مدح و منقبت حضرت علی(ع)

امیر فخرالدین محمود بن یمین‌الدین طُغْرایِی فَرُومَدی، معروف به ابن‌یمین، شاعر ایرانی در سده هشتم قمری است. وی سال‌ها منشی امیران سربداران در خراسان بود. ابن‌یمین شاعری شیعی مذهب بود و قرآن و حدیث در شعر او تأثیر آشکاری داشته است. وی قصایدی در ستایش ائمه اطهار(ع)، به خصوص امام علی(ع) دارد.

ابن‌یمین شاعری شیعی مذهب بود؛ هم به دلیل آنکه بسیاری از مردم سبزوار در آن روزگار شیعه بودند و هم نزدیک شدنش به امیران سربدار نیز از انگیزه‌های اعتقادی خالی نبوده است. همچنین اشعار و قصیده‌های مختلف او در مدح علی بن ابی‌طالب(ع) و فرزندان او دلیل دیگری بر این موضوع است. او در برخی از اشعار خود به اینکه امام علی(ع) جانشین بر حق، پس از پیامبر (ص) است تصریح کرده است.

ابن‌یمین فریومدی شیعه اثنی عشری است و مذهب و مسلکش در اشعارش هویداست. شیعه یکی از مذاهب اسلامی است. واژه شیعه شکل مختصر «شیعه علی» یعنی پیرو یا حزب علی بن ابی‌طالب (ع) است. عقیده شیعه انتصاب علی بن ابی‌طالب (ع) برای جانشینی محمد است. شیعیان پس از علی(ع) در مدت دو قرن بعدی به ده‌ها فرقه تقسیم شدند که یکی از آنها شیعه اثنی عشری است که به دلیل انتخاب آن توسط شاه اسماعیل صفوی به عنوان مذهب ملی در قرن دهم هجری یا شانزدهم میلادی به بزرگ‌ترین فرقه شیعه تبدیل شد. مذهب ابن‌یمین همچون بسیاری از مردمان سبزوار در روزگار سربداران، تشیع بود. ابن‌یمین را شیعی مذهب و هوادار اهل بیت(ع) دانسته‌اند. قصایدی در ستایش ائمه اطهار (ع) بالاخص امام علی(ع) دارد و از نخستین شعرائی است که مرثیه‌هایی در سوگ شهدای کربلا سروده است.

ای دل ار خواهی گذر بر گلشن دارالبقا	جهدکن کز پای خود بیرون کنی خارها
ورنمی خواهی که پای از راه حق یکسو نهی	دست زن در عروه وثقای شرع مصطفی
راه شرع مصطفی از مرتضی جو زانکه نیست	شهر علم مصطفی را در بغیر از مرتضی
مرتضی را دان ولی اهل ایمان تا ابد	چون ز دیوان ابد دارد مثال انما

...

(قصیده ۲)

مقتدای اهل عالم چون گذشت از مصطفی	ابن عم مصطفی را دان علی مرتضا
آن علی اسم و مسمی کز علو مرتبت	اوج گردون با جنابش ارض باشد با سما

آنکه از مغرب به مشرق کرد رجعت آفتاب
 آنکه نسبت خرقه را یکسر به درگاهش برند
 ...
 تا نماز با نیاز او نیفتد در قضا
 سالکان راه حق از اولیاء و اتقیا

(قصیده ۴)

خرم دلی که مجمع سودای حیدرست
 جایی که جبرئیل بدانجا نمی‌رسد
 در دعوت ملائکه بر خوان آرزو
 در خطیر معرفت سر کاینات
 ...
 فرخ سری که خاک کف پای حیدرست
 برتر هزار مرتبه ز آن جای حیدرست
 هر نعمتی که هست به آلائی حیدرست
 یک قطره حقیر ز دریای حیدرست

(قصیده ۲۴)

در قصیده «در مدح حضرت ولایت» امام علی (ع) را بدین صفت‌ها مدح کرده است:
 خلوت‌نشین صومعه اصطفا، مهر سپهر حکمت، جان و جهان فضل، سر حلقه عارفان، سلطان
 اولیا، شه اصفیا، مرد یقین، خلوت‌نشین سرادقات جلال، صاعقه خرمن عمر کافران، فاتح
 خیبر، وصی مصطفی، در شهر علم، نور ساطع ذات خدا، فوق السماء، ساقی حوض کوثر و ...

نوری که هست مطلع آن هلائی علی است
 مهر سپهر حکمت و جان و جهان فضل
 آنکس که بت‌پرستی و می‌خوارگی نکرد
 آن کس که در یقینش نگنجد زیادتی
 ...
 خلوت‌نشین صومعه اصطفا علی است
 فهرست کارنامه اهل صفا علی است
 سلطان اولیا و شه اصفیا علی است
 صد بار اگر ز پیش بر افتد غطا علی است

(قصیده ۳۲)

قصیده دیگری در مدح حضرت علی (ع) دارد:
 آن را که پیش‌وای دو عالم علی بود
 اقبال دارد آنکه ز ند دم ز دوستیش
 امروز هر دلی که تهی باشد از ولاش
 بر اتفاق مرشد و هادی اولیاست
 ...
 نزد خدای منزلتی بس علی بود
 بل بندگی قنبرش از مقبلی بود
 روز جزا ز نار سقر ممتلی بود
 از نور اوست مقتبس آنکو ولی بود

(قصیده ۳۷)

شعر دیگری در مدح خاندان عصمت و طهارت (ع) دارد:

شنیدم ز گفتار کار آگهان	بزرگان گیتی کهان و مهان
که پیغمبر پاک والا نسب	محمد سر سروران عرب
چنین گفت روزی به اصحاب خود	به خاصان درگاه و احباب خود
که چون روز محشر در آید همی	خلایق سوی محشر آید همی
...	

(مثنوی ۵)

توصیف امام علی (ع) در دیوان ابن‌یمین فریومدی

صبغه الله

ابن‌یمین چهره حضرت علی (ع) را عین صبغه الله و رنگ الهی می‌داند:

از صبغه الله ار به یقین آگهیت نیست هست اتفاق عقل که سیمای حیدرست
(قصیده ۲۴)

آیه ولایت

مرتضی را دان ولی اهل ایمان تا ابد چون ز دیوان ابد دارد مثال انما
(قصیده ۲)

آنکه درحین صلوه از مال خود دادی زکوه جز علی را کس نمی‌دانم به نصّ انما
(قصیده ۴)

او به استحقاق امام است و به نصّ مصطفی بر سر این موجب نص نیز حکم انماست
(قصیده ۳۱)

هل اتی

علمای شیعه اتفاق نظر دارند آیه اطعام (آیه ۸ سوره انسان یا هلْ اُتَیْ یا دَهرْ) به همراه آیاتی دیگر (هجده آیه از این سوره یا تمامی آن) درباره سه روز روزگرفتنِ امام علی (ع)، فاطمه (س)، حسین (ع) و فضه نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۵). این سوره بیانگر ایثار خاندان پیامبر اکرم (ص) به ویژه کرم و جوانمردی مولی علی (ع) است که مورد استشهاد ابن‌یمین قرار گرفته است:

در سخا بود از دل و دستش خجل دریا و کوه این سخن دارد مصدق هر که خواند هل اتی
(قصیده ۲)

زان کرامت‌ها که ایزد کرد و خواهد کرد نیز

با علی اکنون بشارت می‌رساند هل اتی

(قصیده ۴)

دُر دریای فتوت گوهر کان کرم

آنک شرح جود آباء کرامش هل اتی است

(قصیده ۳۰)

حجت اثبات علمش لو کشف باشد تمام

از فتوت خود چه گویم قائل آن هل اتی است

(قصیده ۳۱)

نوری که هست مطلع آن هل اتی علی است

خلوت نشین صومعه اصففا علی است

(قصیده ۳۲)

آیه تطهیر

مظهر نور نخستین ذات پاک مصطفاست
آنکه هستی بر طفیلش حاصل است افلاک را
در صفات ذات پاکش زحمت اطناب نیست
چون نبی بگذشت امت را امامی واجب است

...

بعد از و در راه دین گر پیشوا خواهی گرفت
پیروی کن گر نجات مخلصانت آرزوست
در طریق دین به هر کس اقتدا فرهنگ نیست

...

ترک افضل بهر مفضول از فضول نفس دان
آنکس که بت پرستی و می خوارگی نکرد

مصطفی کو اولین و آخرین انبیاست
وین نه من تنها همی گویم بدین گویا خداست
گفته شد اوصاف او یک سرچو گفتم مصطفی ست
وین نه کاری مختصر باشد مرا این را شرط هاست

(قصیده ۳۱)

بهتر از اولاد معصومش نیابی پی‌شوا...
هر که را با خاندان عصمت آمد انتما
گر کنی باری به معصومان کن ای دل اقتدا

(قصیده ۲)

در طریق حق مکن جز نور عصمت پیشوا
سلطان اولیا و شه اصفیا علی است

(قصیده ۳۲)

صراط مستقیم

ره‌نمایی جوی از وی کو شناسد راه را

چون نبرد این ره‌کسی هرگز به سر بی‌ره‌نما

(قصیده ۴)

راستی خواهی مرو جز بر صراط مستقیم

بریمین و بریسار ار رفت خواهی معوج است

(قطعه ۹۵)

خواهی که بی‌درنگ به مقصود خود رسی پیوسته مستقیم رو بر صراط باش
(قطعه ۴۸۴)

دروازه شهر علم

جامع‌ترین و پرمعنی‌ترین توصیف رسول خدا(ص) از دانش امیرالمؤمنین(ع) و پیوستگی آن حضرت به دانش بیکران پیامبری، آن است که خود را شهر علم و حضرت علی(ع) را دروازه آن نامیده است. در حدیثی فرموده است: «انا مدینة العلم و علی باها فمن اراد العلم فلیات الباب» (من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. هر که علم می‌خواهد باید از این دروازه وارد شود).

راه‌شرع مصطفی از مرتضی جو زانکه نیست شهر علم مصطفی رادر، به غیر از مرتضی
(قصیده ۲)

علم نبی همی طلبی از علی طلب کاوهست شهر علم در آن شهر راعلی است
(قصیده ۳۲)

مرتضی را در آن شهر شناسید که اوست آن کز او رسم و ره شرع مطهر گیرید
(قصیده ۳۸)

حجت اثبات علمش «لو کشف» باشد تمام از فتوت خود چه گویم؟ قایل آن «هل آتی» ست

حدیث غدیر (حدیث ولایت)

مراد حدیث معروف پیامبر اکرم(ص) در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال ۱۰ هجری است که در مکان غدیر خم پس از معرفی امیرالمؤمنین(ع) به جانشینی خود بیان فرمود.

از نبی من کنت مولاه چوتشریف علی است از طریق ارثشان بس بندگان باشیم ما
(قصیده ۲)

اوست مولانا به فرمانی که از حق ناطق است چون توان منکرشدن در شأن او من کنت را
(قصیده ۴)

وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی کسوت من کنت مولاه بقدر اوست راست
(قصیده ۳۰)

انت منی (روایت «علی از من و من از علی ام»)

خلعت با زیب و زین انت منی کس نیافت از نبی الا علی کو داشت فرّ انبیا
(قصیده ۲)

حدیث منزلت

هنگامی که حضرت موسی (ع) به رسالتی عظیم و گسترده مبعوث و به مبارزه با قدرت فرعونی مأمور شد، دست به دعا برداشت و نیازهایی را مطرح کرد. از جمله تقاضا کرد؛ خدا برادرش هارون را به وزارت او نصب کند، تا پشتش به او محکم و شریک کارش باشد. مشخصات هارون (ع) چنین است: «واجعل لی وزیرا من اهلی، هرون اخی...» وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را.

پیامبر اسلام (ص) نیز مشابه همین درخواست را از خدا کرد و درباره علی (ع) مستجاب شد که خلاصه‌اش به «حدیث منزلت» معروف است، و علامه طباطبایی می‌فرماید: «این حدیث از صد طریق از اهل سنت و هفتاد طریق از طرق شیعه نقل شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۲۲۱).

گر نکردی در نبوت را نبی الله مهر مرسلی بودی علی افضل ز کل انبیا
(قصیده ۴)

حدیث یوم‌الدار (حدیث وصایت)

حدیث یوم‌الدار، مشهور به حدیث یوم‌الإنذار و حدیث عشیره، روایتی از پیامبر اکرم (ص) که در آن، از خویشاوندان خود می‌خواهد دعوت او را بپذیرند و اسلام بیاورند و در ضمن آن به وصایت و خلافت بلافضل علی بن ابی‌طالب (ع) تصریح می‌کند.

گر بود مستحق ز سلف یک وجود کو باشد به حق وصی ز پی مصطفی علی است
(قصیده ۳۲)

حدیث ثقلین

منظور حدیث معروف پیامبر (ص) است که فرمود: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی (همانا من میان شما دو چیز گرانبها را باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترت خود را) حدیث ثقلین، حدیثی است که نزد علمای همه مذاهب معتبر بوده و شیعیان آن را از دلایل امامت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین (ع)، علی بن ابی‌طالب (ع) می‌شمارند و گویند اگر آنان برای اثبات خلافت آن حضرت دلیلی جز همین حدیث نداشتند، آنها را بسنده بود. حدیث ثَقَلَيْنِ یا ثَقْلَيْنِ حدیثی مشهور و متواتر از پیامبر اسلام (ص) است درباره جایگاه هدایت‌گری قرآن و اهل بیت (ص) و لزوم پیروی از آنان. طبق این حدیث، قرآن و اهل بیت به عنوان دو چیز گرانبها، همواره در کنار یکدیگرند تا در کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم (ص) ملحق شوند.

هزار شکر و سپاسم ز خالق ثقلین که باز کرد ز لطف خودم قریب‌العین
(قصیده ۱۳۴)

حدیث معراج

از جمله حوادث شگرف و شگفت‌انگیز دوران رسالت پیامبر(ص)، سیر و سفر آسمانی آن حضرت به ملکوت و مشاهده آثار عظمت الهی است که با نام معراج در تاریخ و فرهنگ دینی ثبت شده است.

سدرۃ‌المنتهی: در فرهنگ لغات سدر به معنای درخت گُزار، سرگردان، متحیر و دریا آمده است و کلمه منتهی به معنای پایان و آخرین حد معنا شده است (اصفهانی، ۵۰۲: ۲۲۷). در اصطلاح به درختی گفته می‌شود که در آسمان هفتم واقع شده است. آخرین جایی است که علم و اعمال مردم تا بدانجا می‌رسد و نهایی‌ترین محلی است که جبرئیل می‌تواند خود را بدانجا برساند و هیچ‌کس از آنجا نگذرشته مگر پیغمبر اعظم(ص) (رامپوری، بی‌تا: ۴۶۱). پیامبر(ص) در آسمان هفتم به جایی رسید که جبرئیل از رسیدن به آن مقام عاجز بود. او به پیامبر گفت: من اجازه ورود به این مکان را ندارم و اگر به اندازه سر انگشتی نزدیک‌تر شوم بال و پرم خواهد سوخت (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۳۹۲؛ علامه طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۸). حدیث معراج، حدیث قدسی است که گفتگوی میان خداوند و پیامبر(ص) در معراج را گزارش می‌دهد. در برخی روایات آمده که پیامبر اکرم(ص) فرمود: وقتی به سوی آسمان عروج کردم و به ساحت قدسی پروردگارم نزدیک شدم به گونه‌ای که بین من و او به اندازه دو قوس کمان یا کمتر از آن فاصله بود، به من گفته شد چه کسی را دوست داری؟ گفتم علی را. بعد به من گفته شد نگاه کن. نگاه کردم به سمت چپ خود، علی ابن ابی‌طالب(ع) را دیدم (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۴۰۶، باب ۳، اثاب معراج، ح ۱۱۴).

جایی که جبرئیل بدانجا نمی‌رسد برتر هزار مرتبه ز آن جای حیدرست...
با جبرئیل هم ننهادند در میان سری که در صمیم سویدای حیدرست
(قصیده ۲۴)

سلونی

غیر او را کس نزید از سلونی دم زدن زانکه او دانااست ما فوق السموات العلا
(قصیده ۲)

کی رسیدیش ار نبودی افضلیت وصف او از سلونی دم زدن در بارگاه مصطفی
(قصیده ۴)

جز علی مرتضی در بارگاه مصطفی هیچ کس دیگر به دعوی سلونی برنخواست
(قصیده ۳۱)

کثرت علم وی از لفظ سلونی دانید زور بازوش قیاس از در خیبر گیر ید
(قصیده ۳۸)

معجزه رد الشمس، کرامتی از حضرت علی (ع)

شرح رویداد، به نقل از اسما، ام سلمه، جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری و عده‌ای دیگر چنین است: روزی علی (ع) در منزل پیغمبر اکرم (ص) حضور داشتند که ناگهان جبریل برای ابلاغ وحی الهی فرود آمد. رسول خدا (ص) سر مبارک خود را روی پای علی (ع) گذارد و سربرداشت تا هنگامی که آفتاب غروب کرد. علی (ع) که نماز عصر را نگذارده بود، بی‌اندازه پریشان شد؛ زیرا نمی‌توانست سر پیامبر را از روی زانوی خود بردارد و نه می‌توانست نماز را به طور معمول به جا آورد. حضرت علی (ع) چاره‌ای نداشت جز این که هم چنان که نشسته است، نماز بخواند. رکوع و سجود را با اشاره به جا آورد. پیامبر اکرم (ص) پس از آن که از آن حالت روحانی خارج شد، به علی (ع) فرمود: نماز عصرت قضا شد؟ عرض کرد: چاره‌ای جز این نداشتم؛ زیرا حالت وحی که برای شما پیش آمده بود، مرا از انجام وظیفه بازداشت.

رسول خدا (ص) فرمود: اینک از خدا بخواه تا خورشید را به جای اول برگرداند تا نمازت را در اول وقتش به جای آوری. خداوند دعای تو را مستجاب می‌کند؛ چرا که از خدا و رسول او اطاعت کرده‌ای. علی (ع) دعا فرمود و دعای او مستجاب شد و خورشید به محلی بازگشت که امکان خواندن نماز عصر به وجود آمد و آنگاه غروب کرد.

واقعه دوم رد الشمس، پس از رحلت پیامبر (ص)، هنگامی واقع شد که حضرت علی (ع) در بابل حضور داشت و می‌خواست از فرات عبور کند. در این هنگام، وقت نماز عصر فرا رسید و آن حضرت بلافاصله به همراه گروهی از اصحاب خود نماز عصر را به جماعت خواند، ولی از آن جا که بسیاری از یاران حضرت مشغول عبور دادن مرکب‌ها و توشه خود از رود فرات بودند، نماز عصرشان قضا شد و از خواندن نماز جماعت با آن حضرت محروم ماندند.

اصحاب در این خصوص با آن حضرت گفتگو کردند. حضرت علی (ع) که اصحاب خود را آن گونه نگران دید، از خداوند متعال درخواست کرد تا خورشید را به محل پیشین خود برگرداند تا همه اصحاب بتوانند نمازشان را در وقت خود بخوانند. خداوند متعال دعای او را اجابت کرد و خورشید را در افق وقت عصر ظاهر گردانید، آن هنگام که مردم از سلام نماز فارغ

شدند، خورشید غروب کرد. (ارشاد، شیخ مفید، ج ۱: ۳۴۵ - ۳۴۷)؛ (بحرانی، ج ۱: ۱۹۴ - ۲۰۵، ج ۱۱۵). ابن‌یمین فریومدی در این باره می‌گوید:

آنکه از مغرب به مشرق کرد رجعت آفتاب
تا نماز با نیاز او نیفتد در قضا
(قصیده ۴)

فاتح خیبر

فتح سرنوشت ساز خیبر به دست علی(ع) از فضائل و مناقب آن حضرت به شمار می‌رود که راویان بر آن اتفاق دارند. جهاد در راه دین یکی از هزاران فضائل حضرت علی(ع) است. رشادتهای حضرت علی(ع) در فتح برخی قلعه‌های خیبر، از نکات مهم غزوه خیبر است. علی شمشیر در نیام نکرد، و از پیشروی باز ننشست.

او است که غبارحزن، از چهره رسول می‌زدود، اوست که مشکلات را از پیش برمی‌داشت اوست که آتش افروز پیکار بود:

او قاتل مرحب است و برکننده در خیبر و به خاک افکننده عمرو بن عبدود.
او همان کسی است که رسول خدا(ص) درباره‌اش فرمود: «فردا پرچم به کسی سپارم که خدا و رسول را دوست دارد، و خدا و رسول او را دوست دارند، حمله می‌کند و فرار نمی‌کند». آمد ز حق ندا به نبی در مضیق حرب
کآنکس که برکند در خیبر زجا علی است
(قصیده ۳۲)

کار ملک و دین بحمدالله نظام از سرگرفت
مصطفی بطحاگشاد و مرتضی خیبر گرفت
(قصیده ۲۹)

تا بود اندر جهان فاش که خیبر علی
باد به دنیا و دین یاور تو روح آنک
بی‌مدد خالد و یاری قنبر گرفت
کو سر عنتر برید قلعه خیبر گرفت
(قصیده ۲۲)

کثرت علم وی از لفظ سلونی دانید
هست‌چندان هنر او را که چو تعداد کنید
زور بازویش قیاس از در خیبر گیرید
کمترین منقبتش کشتن عنتر گیرید
(قصیده ۳۸)

جز به قوت‌های روحانی کجا ممکن شدی
در ز خیبر کندن و بر هم دریدن ازدها
(قصیده ۴)

ساقی کوثر

اگر از تشنگی روز قیامت ترسید
دامن مرحمت ساقی کوثر گیرید
(قصیده ۳۸)

ای دل ز تشنگی قیامت مترس از آنک
ساقی حوض کوثر دارالبقا علی است
(قصیده ۳۲)

عدالت علی(ع)

وز حجت نبوت امامت عدالت است
با عفت وشجاعت وجود وسخا علی است
(قصیده ۳۲)

پیشوای عارفان و اولیا و سالکان حق

ابن یمین، مولای متقیان حضرت علی(ع) را پیشوای عارفان و اولیا و سالکان حق قلمداد می کند:

آن علی اسم و مسمی کز علو مرتبت
آنکه نسبت خرقة را یک سر به درگاهش برند
و آنکه می زبید که روح الله ز بهر افتخار
اوج گردون باجنابش ارض باشد با سما...
سالکان راه حق از اولیاء و اتقیا
نوبت صیتش زند فوق السموات العلا
(قصیده ۳۲)

تولا و تبرا

در اصطلاح، این هیئت ترکیبی (تولا و تبرا) در مفاهیم دوستی خدا، دوستی با دوستان خدا، پیامبران، امامان معصوم و مؤمنان و دشمنی با دشمنان خدا و دشمنان انبیاء و اولیای الهی و نیز اعتقاد به ولایت اهل بیت حضرت محمد(ص) و دوستی با آنان و دشمنی با دشمنان آنان و حب و بغض در راه خدا استعمال شده است. ابن یمین فریومدی نیز این اصطلاح را به کار برده است:

تا بدو دارم تولا با تبرایم ز غیر
چون نیا بد بی تبرا از تولا دل صفا
نندیشم از تزلزل اقدام کاعتصام
من بنده را به حبل تولا ی حیدرست
(قصیده ۴)

(قصیده ۲۴)

وصف «ذوالفقار»، شمشیر امام علی(ع) و توصیف شجاعت آن حضرت

در گشاد حصن دشمن تیغش از روی قیاس
همچو در تسخیر خیبر ذوالفقار حیدرست
(قصیده ۳۳)

شهی که خنجر او کرد در مساکن خصم که ذوالفقار علی در حصار خیبر کرد
(قصیده ۶۳)

کو بین در روز هیجا تیغ برآن در گفت هر که در دست علی خواهد که بیند ذوالفقار
(قصیده ۷۸)

هر که به آوردگه تیغ به دست تو دید گفت که اینک علی در کف او ذوالفقار
(قصیده ۸۶)

چون ذوالفقار سرور نام‌آوران علی ب شکست و پاره پاره شد از دور روزگار
(قطعه ۳۸۸)

قبح تقدیم مفضول بر فاضل

از جمله دلایل عقلی و نقلی که شیعه بر افضلیت امیرمؤمنان علی (ع) بر سایرین اقامه می‌کند قبح تقدیم مفضول بر فاضل است (حلی، ۱۴۱۹: ۵۰۱). واجب است که امام در جمیع صفات کمال از سایر مردم افضل و اعلم باشد؛ یعنی غیر از پیامبر در میان امت کسی فاضل‌تر و عالم‌تر از او نباشد.

ترک افضل بهر مفضول از فضول نفس دان در طریق حق مکن جز نور عصمت پیشوا
(قصیده ۴)

با چنین فاضل، ز مفضولی تراشیدن امام گرسواب‌آید تورا، باری به نزد من خطاست
(قصیده ۳۱)

شرط است در نماز جماعت امام را کاو را از آن میان صفت افضلی بُود
فاضل به جای ماندن و مفضول را امام کردن نه در طریقه حق مبطلی بُود؟!
(قصیده ۳۷)

اعتقاد به شفاعت و عنایت

شفاعت واسطه شدن یک مخلوق میان خدا و دیگر مخلوقات برای رساندن خیر یا دفع شر در دنیا و آخرت است. شفاعت مفهومی دینی است که عموم مسلمانان به آن باور دارند. بر اساس عقاید شیعه، شفاعت به طور کامل از آن خداوند است و هیچ کس بی‌اذن او نمی‌تواند شفاعت نماید. بر این اساس اگر خداوند از ایمان بنده‌ای راضی باشد به شفیعان اذن می‌دهد در حق او شفاعت کنند. باور به شفاعت در میان شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد.

گرچه من کابن یمینم کرده‌ام عصیان بسی
دوستدار خاندان مصطفی و مرتضی

من که باشم کش ثنا گویم ولی مقصودم آنک
کردگارا مجرمم اما تو آگاهی که من

هر چند دارد ابن یمین جرم بی‌شمار
بی‌شک بدین وسیله که دارم مقام من
نندیشم از تزلزل اقدام کاعتصام

بر امید آن که روز حشر ازین شاهان یکی
این عنایت بس بود (ابن یمین) را بهر آنک

دارم امید عفو گرم هست صد گناه
ای دل ز تشنگی قیامت مترس از آنک
دانم که از تو باز ندارد به هیچ حال

لیک می‌دارم توقع زانکه هستم بی‌ریا
کایزد از لطف و کرم بخشد بدان پاکان مرا

(قصیده ۲)

از شمار بندگان دا ند مرا روز جزا
بنده اویم چه باشد گر بدو بخشی مرا

(قصیده ۴)

اما از آن چه باک که مولای حیدرست
روز جزا به حضرت اعلای حیدرست
من بنده را به حبل تولای حیدرست

(قصیده ۲۴)

گوید: این ابن یمین از بندگان خاص ماست
هر که باشد بنده‌شان، در هر دو دنیا پادشاست

(قصیده ۳۱)

بر اعتماد آنکه مرا پیشوا علی است
ساقی حوض کوثر دارالبقا علی است
یک شربت آب از آنکه سراسخیا علی است

(قصیده ۳۲)

نتیجه‌گیری

ابن‌یمین ارادت قلبی به حضرت علی (ع) و ائمه اطهار (ع) دارند. با توجه به آیات و احادیثی که در اشعارش استفاده کرده است، بی‌شک ابن‌یمین شیعه دوازده امامی است و نام هر دوازده امام را در قصایدش ذکر می‌کند (قصیده ۲ و ۳۱). برای حسن ختام ابیاتی از قصیده ۳۱ را که در نعت خاتم‌الانبیاء و علی مرتضی و امامان هدی (ع) است، ذکر می‌کنیم:

مظهرنورنخستین، ذات پاک مصطفی ست	کاو به رتبت اولین و آخرین انبیاست
آن که هستی برطفیش حاصل است افلاک را	وین نه من تنهاهمی گویم، بدین گویا خداست
در صفات ذات پاکش زحمت اطناب نیست	گفته شد او صاف او یک سرچوگفتی مصطفی ست
...	...
این صفات و زین هزاران بیش وعصمت بر سری	با وصی مصطفی، یعنی: علی المرتضی ست
جز علی مرتضی، در بارگاه مصطفی	هیچ کس دیگر به دعوی «سَلَوْنی» بر نخاست

(قصیده ۳۱)

منابع و مأخذ

۱. آقائوری، علی. (۱۳۸۳). «حدیث منزلت». دانشنامه جهان اسلام. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبئه‌الله. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن بابویه.. (۱۳۶۲). کتاب الخصال. قم: چاپ علی اکبر غفاری.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی‌تا). المناقب. مصحح: محمدحسین آشتیانی، قم: نشر علمه.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات. تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
۶. اخطب خوارزم، موفق بن احمد. (۱۴۱۱). المناقب. محقق: مالک محمودی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷. الاصفهانی، الراغب. (۵۰۲). مفردات الفاظ قرآن. المکتبه المرتضویه.
۸. جوینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰). فرائد السمطین. تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه محمودی.
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۹۹۰). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۰. حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر. (۱۴۱۹). *کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تصحیح و تقدیم و تعلیق علامه حسن حسن زاده آملی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. خوارزمی، موفق بن احمد. (بی‌تا). *مناقب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. رامپوری. (بی‌تا). *غیاث اللغات*. تهران: امیرکبیر.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۴). *نهج‌البلاغه*. تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۶). *الامالی*. چاپ ششم، تهران: کتابچی.
۱۵. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۶. طباطبایی سید محمد حسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۵). *الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله و سلم*. قم.
۱۸. فریومدی، امیرفخرالدین محمود. (۱۳۴۴). *دیوان اشعار*. تصحیح حسین علی باستانی‌راد، تهران: سنایی.
۱۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۰. محدثی، جواد. (۱۳۸۵). *فرهنگ غدیر*. چاپ پنجم، قم: انتشارات معروف.
۲۱. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۸). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. ترجمه امیر خان بلوکی، تهذیب، قم.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مؤذنی، علی محمد. (۱۳۸۰). «ابن‌یمین فریومدی و تأثیر قرآن و حدیث در دیوان او». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۷-۴۶، شماره ۱۵۸-۱۵۹، شماره پیاپی ۹۹۴، صص ۸۳-۹۶.

Shi'ism and the Religious Orientation of Ibn Yamin Faryumadi

Abstract

Ibn-e Yamin Feryumadi, who adhered to the Shia faith, reveals his heartfelt devotion to the family of the Prophet through his religious poetry. Due to his Shia affiliation, the image of Amir al-Mu'minin, Ali ibn Abi Talib (peace be upon him), is exceptionally radiant and prominent in his verses. So much so that in his panegyric odes, when discussing the virtues of his praised subject, he immediately pivots to mentioning the merits of Hazrat Ali (peace be upon him) and extols that revered Imam. In his poetry, Imam Ali (peace be upon him) is praised with attributes such as: the hermit of the monastery of election, the sun of the sphere of wisdom, the soul and world of virtue, the chief of the Gnostics, the Sultan of Saints, the King of the Chosen, the man of certainty, the dweller in the pavilions of majesty, the thunderbolt destroying the harvest of the infidels' lives, the conqueror of Kheybar, the Successor of Mustafa, the gate to the city of knowledge, the radiant light of God's essence, above the heavens, the cupbearer at the pool of Kawthar, and more. His Divan contains Alavi and Razavi odes that laud Imam Ali (peace be upon him) and his pure progeny and infallible descendants, with the belief in the Shia school of thought evident throughout his poetry.

Keywords: Imam Ali (AS), Shiite, Divan of Ibn-e Yamin, Guardianship, Hadith